

وجود دارد و آنها را نمی‌توان یکسان دانسته و حکم واحدی برایشان صادر نمود:

"ربا" به عنوان «بازده ثابت یا از پیش تعیین شده» تنها در اقتصادهای معیشتی و ایستا، که در آنها قیمت‌های نسبی حتی در درازمدت دچار نوسان‌های مهمی نم‌گردند، قابل تصور است. بهره سرمایه در نظام‌های جدید اقتصادی، به علت تغییرات دائمی قیمت‌های نسبی، مشمول تعریف بالا از ربا نیست.

از لحاظ تاریخی، بهره سرمایه منشأ کاملاً متفاوتی از ربا داشته است؛ به‌طوری که ملاحظه مشهود که ظهور آن در حقیقت علیه انحصار و سلطه ربا صورت گرفته است.

(فصلنامه نقد و نظر- دوره ۳- شماره ۱۲ شماره پیاپی ۱۲- مهر ۱۳۷۶ - صفحه ۳۱۴ تا ۳۲۷ تفاوت ربا و بهره بانکی - موسی غنی‌نژاد)

نقد نظریه:

راه حل چهارم: سود مشخص ربا است، سود نامشخص ربا نیست، گرفتن بهره ربا نیست.

نقد: این نظریه با مراجعی که گرفتن اضافه را جایز نمی‌دانند سازگاری ندارد.

• راه حل پنجم

اختصاص ربا به بهره بانک‌های خصوصی

راه حل پیشنهادی استاد سید عباس موسویان (۱۳۸۶)

یکی از نظریه‌هایی که درباره ربا و بهره مطرح شده، نظریه اختصاص تحریم ربا به بهره وام بانک‌ها و مؤسسه‌های خصوصی و اشخاص حقیقی است و شامل بهره وام بانک‌های دولتی نمی‌شود. آیت‌الله معرفت یکی از این نظریه‌پردازان در مقاله مبسوطی بعد از بیان ادله تحریم ربا و قلمرو آن می‌گوید:

نمی‌توان بانک‌های دولتی را، نهاد استثماری شمرد. اینها برای سودستانی یا سوددهی پدید نیامده‌اند، بلکه ضرورت اجتماعی به شمار می‌روند که با این نظام، می‌تواند به کار خود ادامه دهند و در جهت سامان دادن اقتصاد کشور نقش داشته باشند. از این‌رو نمی‌توان سود بانکی را (البته بانک‌های دولتی که سرمایه آن از بیت‌المال است) برای حرام دانست؛ زیرا هیچ‌یک از پیامدهای تباهی‌آفرین ربا، که لازم مساوی ربا یاد شده‌اند، در این باره وجود ندارد، همانند ربای خانواده که در اساس ربا نیست (معرفت، ۱۳۷۹: ۱۱۴۹).

وی در مقام استدلال به صحیحیه ززاره استناد می‌کند و می‌گوید:

در صحیحیه ززاره آمده است که امام باقر ^(علیه السلام) فرمود: «لیس بین الرجل و ولده، و بینه و بین عبده، و لا بینه و بین اهله ربا . آتما الربا فیما بینک و بین ما لاتملک» (حرعاملی، ۱۴۱۳: ۱۸، ۱۳). یعنی بین مرد و فرزندش، بین وی و غلامش و بین وی و همسرش ربا نیست، همانا ربا بین تو و چیزی است که مالک آن نیستی.

این روایت مورد اتفاق فتاوی فقیهان است. جالب، علتی است که در ذیل صحیحیه ززاره آمده است: «آتما الربا فیما بینک و بین ما لاتملک» ربا در صورتی است که طرف مورد معامله (که سود بر آن اضافه می‌شود، یا سود از آن برداشت می‌شود) در اختیار و تصرف تو نباشد. در زندگی خانوادگی، هر چه وجود دارد، در اختیار همه است و همگی شریک در زندگی جمعی هستند. و در گذشته این بیشتر به چشم می‌آمده است. از این‌رو، سودی که به یکی از افراد خانواده داده یا از وی گرفته شود، از محیط خانوادگی بیرون نرفته، بهره همگی می‌شود و در حقیقت، در اختیار همه است و از این کیسه به آن کیسه، یا از این جیب به آن جیب دیگر انتقال می‌یابد. یادآور می‌شوم که «ما» در روایت، موصوله است. مقصود، مال طرف معامله است، نه شخص، تا مربوط به «عبد» شود. از این‌رو، این تعلیل، عام است و برای هر سه مورد استثنا آورده شده است و همین تعلیل، مورد‌های استثنای یاد شده را به‌گونه تخصص از حرمت ربا، خارج می‌سازد نه از باب تخصیص؛ زیرا ربا در صورتی است که این سود را دیگری ببرد و از اختیار سود دهنده خارج شود. تمام مفاسد ربا بر همین نوع ربا بار است، نه ربای مورد استثنا. از همین جاست که می‌توانیم پی ببریم، پاره‌ای از سودهای بانکی، که سرمایه آن از بیت‌المال است و به همه مسلمانان منطقه تعلق دارد، از نوع ربای حرام، که حرمت آن در کتاب و سنت قطعی است، بیرون است» { آیت‌الله معرفت در پایان می‌فرماید: ضمناً متذکر می‌شود، مطلب یاد شده در مورد ربای بانکی، یک مناقشه موضوعی به شمار می‌رود، هرگز تخصیص در ادله حرمت ربا نخواهد بود، و به صورت طرح پیشنهادی است و درخور مناقشه} (همان: ۱۴۷).

(فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی سال هفتم / شماره ۲۷ / پاییز ۱۳۸۶ نظریه های ربا و بهره - سیدعباس موسویان)

نقد نظریه:

راه حل پنجم: اضافه گرفتن بانک دولتی ربا نیست.

نقد: اما این نظریه با مراجعی که گرفتن اضافه را جایز نمی‌دانند سازگاری ندارد.

• راه حل ششم

ضرورت اقتصادی ربا و بهره بانکی

راه حل پیشنهادی استاد سید عباس موسویان (۱۳۸۶)

برخی در تجویز ربا و بهره بانکی راه دیگری پیموده، می‌گویند: جزو مسلمات گفته است که در مواقع ضرور و مشقت، طبق قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» احکام اسلامی تخفیف پیدا می‌کنند، خداوند متعال در آیه‌های متعدد قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُم فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ﴾ حج ۷۸؛ خداوند در دین کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد. ﴿لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا﴾ بقره ۲۸۶؛ خداوند، هیچ‌کس را بر بیش از توانابیش تکلیف نمی‌کند. ﴿فَمَنْ اَظْلَمُ لِمَنْ بَاغَ وَلَا عَادٍ فَلَا اِثْمَ عَلَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ عَفُوٌّ رَحِیمٌ﴾ بقره ۱۷۳؛ هر که ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر وی گناهی نیست، خدا آمرزنده و مهربان است.

ادامه در صفحه ۴



راه‌حل‌های دریافت کارمزد تسهیلات

از سوی برخی اقتصاددانان

با توجه به اینکه عده‌ای از مراجع عظام تقلید، گرفتن کارمزد را جایز نمی‌دانند، و از طرف دیگر اقتصاددانان گرفتن کارمزد را برای ادامه فعالیت صندوق‌ها یک امر ضروری می‌دانند، برای جمع این دو مطلب، عده‌ای از پژوهشگران اسلامی تحقیقات گسترده‌ای انجام داده و به دنبال آن برای حل این مشکل ایده‌ها، نظرات و پیشنهادهایی داده‌اند.

کشورهای اسلامی قرار گرفت و در قوانین مدنی کشورها وارد شد و تا به امروز نیز در خیلی از قوانین دیده می‌شود. در ایران نیز برخی از حقوقدانان با استناد به این دلایل نرخ بهره متعادل (تا ۱۲درصد) را غیر از ربا دانسته و تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا را از اشتباه ارائه کنندگان قانون در یکسان انگاشتن ربا و بهره ناشی می‌دانند (کاشانی، ۱۳۷۶: ۹۵).

(فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی سال هفتم / شماره ۲۷ / پاییز ۱۳۸۶ نظریه‌های ربا و بهره - سیدعباس موسویان)

نقد نظریه:

*راه حل دوم: این نظریه، ربای غیر فاحش را جایز می‌داند.

نقد: اما این راه حل با فتاوی مراجعی که گرفتن اضافه را جایز نمی‌دانند سازگاری ندارد.

• راه حل سوم

اختصاص ربا به زیاده در قرض‌های مصرفی

راه حل پیشنهادی استاد سید عباس موسویان (۱۳۸۶)

اقتصاددانان، قرض را به دو نوع قرض‌های مصرفی و قرض‌های تولیدی و تجاری تقسیم می‌کنند. قرض مصرفی فرضی است که به هدف تأمین نیازهای مصرفی قرض می‌شود؛ مانند خانواری که برای تهیه غذا، لباس، هزینه درمان، تهیه مسکن و مانند آنها قرض می‌کند. قرض تولیدی و تجاری که به آن قرض سرمایه‌گذاری نیز می‌گویند، فرضی است که فعّالان اقتصادی با هدف تأمین سرمایه مورد نیاز جهت تأسیس، توسعه یا استمرار فعالیت اقتصادی استقرار می‌کنند. برخی از عالمان دینی با استناد به ادله‌ای بین این دو نوع قرض تفکیک قائل شده‌اند. آنان گرفتن بهره در قرض‌های مصرفی را حرام می‌دانند؛ اما گرفتن بهره در قرض‌های تولیدی و تجاری را حرام نمی‌دانند (رشیدرضا: بی‌تا، ۳، ۱۱۶، شلوت، ۱۳۹۵:) فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی سال هفتم / شماره ۲۷ / پاییز ۱۳۸۶ نظریه‌های ربا و بهره - سیدعباس موسویان)

نقد نظریه:

راه حل سوم: این نظریه، ربای در قرض تولیدی را جایز می‌داند.

نقد: اما این راه حل، با فتاوی مراجعی که گرفتن اضافه را جایز نمی‌دانند سازگاری ندارد.



• راه حل چهارم

تفاوت ماهوی ربا و بهره

راه حل پیشنهادی استاد موسی غنی‌نژاد (۱۳۷۶)

"مسئله قطعیت با عدم قطعیت درآمد از پیش تعیین شده در نظام بانکی جدید شاید بتوان علل نگوهش از ربا در فرهنگ‌ها و ادیان گوناگون در گذشته را به این صورت خلاصه نمود: با‌آورده بودن آن، یعنی درآمدی که بدون قبول هیچ زحمت و خطری به صورت درآمد قطعی معین از قبل فراهم می‌آید، نقش اجتماعی مخرب آن، یعنی ستمی که به وام‌گیرنده روا داشته مشود، و بالاخره عدم توانایی توجیه عقلانی پدیدار ربا، یعنی پاسخ به این پرسش که پول به عنوان وسیله مبادله، چگونه به صرف گذشت زمان، متواند موجب افزایش خود گردد؟ ارسطو با طرح پرسش اخیر، مبنای عقلی محکمی برای تمامی دکترین‌های ضد ربا در قرن‌های بعد فراهم آورد.

سؤال اساسی این است که آیا چنین مفهومی از ربا در دنیای باستان

• راه حل اول

اختصاص ربا به زیاده برای تمدید مدت بدهی

راه حل پیشنهادی شرعی استاد سیدعباس موسویان(۱۳۸۶)

شروع این دیدگاه از رشیدرضا است، وی نظریه خود را ابتدا به صورت مقاله‌ای در مجله «المنار»، سپس در تفسیر المنار و سرانجام، در کتاب الربا و المعاملات فی الاسلام آورده است. وی در ذیل آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً﴾ می‌گوید:

"این آیه نخستین آیه‌ای است که درباره حرمت ربا نازل شد. آیه‌های ربا در سوره بقره بعد از این آیه نازل شده است. مراد از ربا در این آیه، ربای جاهلی است ربایی که طبری درباره آن می‌گوید: رباخواری مردم در زمان جاهلیت به این صورت بود که وقتی کسی طلبی داشت و موعد آن می‌رسید، بدهکار می‌گفت: طلب را به تأخیر انداز تا آن را اضافه کنم، پس چنین می‌کردند و این همان ربای «أضْعَافًا مُّضَاعَفَةً» بود که خداوند در اسلام نهی کرد.

مجاهد نیز از ابوزید نقل می‌کند: ربای جاهلی با دوبرابر کردن مقدار طلب و افزودن در سن شتر بود. پس ربای جاهلی مربوط به گرفتن زیادی برای تمدید مهلت بدهی است.

بنابراین اگر در ابتدای عقد قرض، دوطرف بر مبلغی توافق کنند، مثل اینکه ۱۰۰ دینار بدهد و بگوید: ۱۱۰ دینار یا بیشتر یا کمتر به من بده؛ هیچ کدام از این نقل‌ها شامل آن نمی‌شود، و ربای محرم قرآنی نخواهد بود» (رشیدرضا، بی تا: ۳، ۱۱۶).

رشیدرضا درباره آیه‌های ربا در سوره بقره نیز می‌گوید:

" ربای جاهلی مربوط به تمدید مهلت است و شامل جایی که کسی مالی را در اختیار دیگری قرار می‌دهد تا با آن کار کند و سودی، کم یا زیاد به صاحب مال بپردازد، نمی‌شود؛ زیرا این قرارداد سودمندی است که دو طرف از آن سود می‌برند، در حالی که ربای جاهلی به زیان بدهکار بود؛ کسی که هیچ گناهی جز ناتوانی از پرداخت بدهی نداشت" (همان).

وی در کتاب «الربا و المعاملات فی الاسلام» که در پایان عمرش نوشته است، همین استدلال را با تفصیل بیشتری بیان می‌کند و نتیجه می‌گیرد: "قرض با بهره‌ای که در آن مقدار سود در اول قرارداد شرط می‌شود، اشکالی ندارد؛ زیرا در ربای جاهلی وجود سود برای تمدید مدت بود، نه برای اصل قرض" (همان: ۱۳۷).

بعد از رشیدرضا، این نظریه مورد پذیرش محققانی مانند شیخ عبدالوهاب قرار گرفت.

آنان با تأثیر از نظریه رشید رضا، حکم کردند که قرض با بهره، ربا نیست (امین، بی‌تا: ۲۵).

(فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی سال هفتم / شماره ۲۷ / پاییز ۱۳۸۶ نظریه های ربا و بهره - سیدعباس موسویان)

نقد نظریه:

راه حل اول: این نظریه، ربای غیر جاهلی را اجازه می‌دهد. نقد: اما این راه حل با فتاوی مراجعی که گرفتن اضافه را جایز نمی‌دانند سازگاری ندارد.

• راه حل دوم

اختصاص ربا به زیاده‌فاحش

راه حل پیشنهادی استاد سید عباس موسویان (۱۳۸۶)

اواخر قرن نوزدهم با گسترش رابطه‌های تجاری مسلمانان و نفوذ تدریجی سرمایه‌داری در کشورهای اسلامی و تأسیس بانک‌های غربی در این کشورها، بحث‌های فراوانی بین دولت عثمانی و صاحبان بانک‌ها از یک سو و عالمان دینی آن کشور از سوی دیگر، درباره ربا و بهره مطرح شد که سرانجام، عالمان دربار عثمانی حکم به حلال بودن بهره‌های کم دادند و در بیانیه‌ای که در دهم شوال سال ۱۳۲۸ق صادر شد، اعلام کردند:

" مشایخ اسلام مقرر داشته‌اند که اموال ودیعه گذاشته شده در بانک، با اموال قرض گرفته شده و برگردانده شده و مبالغی که از بانک گرفته می‌شود یا به هر صورتی در آنجا می‌ماند، تا موقعی که با بهره‌های کم باشد، حلال است" (عبدالهادی، ۱۹۸۵: ۲۱).

همزمان با تحول‌های دولت عثمانی، در مصر بحران مالی پدید آمده بود و بانک‌های خارجی از دادن وام به مصری‌ها خودداری می‌کردند. گروهی تصمیم گرفتند یک شرکت مالی که با بهره اندک، معامله‌های پولی انجام دهد، تأسیس کنند. این تصمیم بحث‌های فراوانی را میان مسلمان برانگیخت. شیخ عبدالعزیز جاویش طی سخنرانی‌ها و مقاله‌های متعدد مدعی بود: آنچه اسلام به اسم ربا تحریم کرده، ویژه بهره‌های فاحش است. وی در مقاله‌ای در مجله اللّواء، در سال ۱۹۰۸م چنین استدلال کرد:

"اولاً اسلام ربای جاهلی را تحریم کرد و در ربای جاهلی، میزان بهره به چند برابر اصل بدهی می‌رسید. وی برای اثبات این مطلب به نقل‌هایی که از امثال زید بن اسلم گذشت و در آن گفته شده بود مبلغ بدهی را به دو برابر افزایش می‌دادند، استناد می‌کرد.

ثانیاً به توجیه به آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ آل عمران ۱۳۰ ای اهل ایمان! ربا را که سودهای چند برابر است نخورید، و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید.

مطلق ربا حرام نشده، بلکه ربایی حرام شده است که وصف «أضْعَافًا مُّضَاعَفَةً» داشته باشد و این وصف زمانی رخ می‌دهد که نرخ بهره فاحش باشد" (بدوی، بی‌تا: ۲۴۲).

این نظریه مورد استقبال خیلی از دولتمردان و حقوقدانان